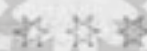


که در وقت مهاجمه میوه خواران سرش را تکان میداد - او بود که در این مورد آره بی رحم جلو رفته و دندان برنده خود را بساق او فرو برد باد تند تری وزید، بیداری اختیار بخود میلرزید و تراشه های سفید از دو طرف ساق او با این متوازی خفینی بهوا می پریدند و آخرین دندان آره آخرین فشار را در روی آخرین رگ درخت بکار برده سطح خیا بان بر شاخه و عرض خیابان از تنه يك درخت بيمصرف مسدود گردید ،



اگر يك عنصر بامصرفی را دیدید که بمهاجمه مردم گرفتار شده است باو نهضد ید ، بگذازید زمستان برسد ، ارزش واقعی درختها در گرو آخرین نظر باغبان است !



هر کس میوه فضیلتی داشته باشد سنک خواهد خورد - مردم بی مصرف دچار مهاجمات نمی شوند - فقط آنها در زیر اجاق های فراموشی و بی اعتنائی سوخته و خاکستر آنها هم جای يك خاک بامصرفی را نخواهد گرفت

رساله علم علوم انسانی

بقلم دانشمند محترم آقای رحیم زاده صفوی

اهلاء و انشاء پارسی

- ۲ -

از روی چند مثالی که در شماره گذشته بیان نمودیم معلوم شد که لغات اجنبی وقتی وارد زبان ما گردید خاصیت و معنای اصلی خود را باخته تابع محیط نوین میشود و این چیزی نیست که منحصر بزبان فارسی باشد بلکه در جمیع السنه زنده احوال لغات خارجی بهمین منوال است - مثلا

انگلیس ها که بیش از نصف کلماتشان لاتینی است با لغات مزبور همین معامله را کرده اند نه فقط مورد استعمال و مفهوم کلمه را تبدیل داده بلکه تلفظ آنرا نیز تابع لهجه خود ساخته اند - عربها که بقدری الفاظ بیگانه را مسخ و دگرگون میسازند که شناسائی آن کاملاً بر علما دشوار میگردد و حتی اسامی خاص را از این قاعده استثنا نمی بخشند و این رویه از قرون دیرین معمول ایشان بوده چنانکه بهمان طریق که اعراب صدر اسلام فی المثل (گشایب) را به (جشنفش) تبدیل داده و (کبچه) را به (قصعه) مبدل کرده اند امروز هم اسم (ژان ژوزف) را به (یوحنا یوسف) و (سویس) را به (اسفیطره) را عوض میکنند علی الاصول میگویند (هذه كلمة اجنبیه فاعمل بها ماشئت) - ولی متأسفانه در وطن عزیز ما ایران از دوران قدیم يك طبقه مخصوصی پیدا شدند که سعی نمودند قواعد طبیعی و اصول زبان فارسی و حاکمیت لهجه ملی را نسبت به الفاظ اجنبی مقهور سازند - و حقیقت امر چنان بود که بعد از غلبه اعراب بر ایران و تفوق زبان تازی به عنوان لسان مقدس دینی مردم جام طلب علوم خود پسندی که فضایل ایشان به دانستن زبان عرب یا معدودی از لغات عربی محدود بود از راه خود نمائی و اظهار دانش به آوردن الفاظ قلمبه و غیر مأنوسی که شاید استعمال آنها به معدودی از طوایف صحرا گرد عرب منحصر بود اصرار ورزیدند نه فقط لغات اجنبی را بدون حاجت و ضرورتی بسیار نوشتند و گفتند بلکه آداب و قواعد اجنبی را نیز بر فارسی تسلط دادند و بطور یکه از مطالعه آثار پیشینیان بر می آید این رسم و آئین زشت با دوره انحطاط علمی و ادبی ایران آغاز گشته و بهر اندازه که میزان دانش و رونق ادب در جامعه فروتر آمده

این سلطه بیگانه که در شماره گذشته به (حقوق ممتازه - یا - کابیتولاسیون ادبی) تعبیر نمودیم قوت گرفته است چنانچه در دوره پلائی اسلام یعنی زمانی که بوعلی ها و ابن مسکویه ها و خیام ها در محیط این مملکت پرورش میافتند و بازار علوم حقیقی رونقی به سزا داشت زبان فارسی هم از این مصیبت کاملاً محفوظ بود و در متون کتبی مانند بیهقی یا ترجمه بلعمی از طبری و یا تاریخ سیستان و امثال آنها اثری از سلطه قواعد عربی بر پارسی مشهود نیست و این هرج و مرج اسف انگیز در حقیقت از آوان ترکتازی مغولان به بعد آغاز گردیده و با فضیلت نمائی های مؤلفینی مثل صاحب تاریخ معجم و صاحب تاریخ و صاف ترویج یافت با اینهمه میتوان گفت که هیچ عهدی مانند قرن اخیر اوضاع ادبی در هم و بر هم نبوده و استقلال زبان فارسی متزلزل نگردیده است - در قرنهاى اول هجرت و قبل از حمله مغول هر چند که لغات عربی داخل فارسی شد ولیکن استقلال زبان ما محفوظ ماند زیرا چنانکه در مقاله پیشین نوشتیم وارد شدن الفاظ بیگانه اگر تابع قواعد زبان جدید گردد چندان زیان بخش نیست و بنا بر این بایستی تصدیق نمائیم که زبان فارسی آن خسارتی را که بعد از محو تفوق عرب کشیده در عهد تفوق عرب ندیده است شگفت انگیز تر از همه آنست که در همین دوره معاصر خودمان لطمه هائی بفارسی میخورد که در دوران پیش از ما نخورده است زیرا در عهد ما هرگاه يك ابلاغیه رسمی را جمع به املاى فارسی صادر شود بزودی صورت قانونی گرفته عمومیت خواهد یافت ولی دوره های پیش از ما احوال بدینگونه نبود و نظر افراد هر قدر که صاحب نفوذ میبودند در تبدیل قواعد بان ملی چندان مؤثر

نمیگشت - مثلا ابلاغیه اخیر وزارت مالیه درباره املاى لغت (تقاضا) که آنرا به تبعیت قواعد عربی (تقاضی) بنویسند ۳۰۰ سال قبل هرگز عمومیت نمیگرفت ولی امروز البته مطاع و متبع و دیگر کسی نخواهد پرسید که بچه دلیل لفظ (تقاضا) را که مادر فارسی آورده و بایستی حتی الامکان آنرا برنگ ورو و ساختمان فارسی نزدیک کنیم بعد از آنکه مدتها است با الف نوشته ایم و معمول عموم گردیده است حالا بریشه عربی برگردانیده قاعده املاى عرب را بر فارسی تسلط دهیم ؟

بالجمله مسئله املا و انشای زبان فارسی امروزه از مسائل دشواری بشمار میآید که مورد اندیشه تواند بود و تا زمانی که يك جز که رسمی با اختیارات و صلاحیت مکفی تشکیل نیافته نباید تالیف و تدوین يك فرهنگ جامعی را نگذارند و قواعد طبیعی فارسی را در املاى عمومی حکومت ندهند خطر اختلال و تباهی استقلال زبان ملی ما روز افزون خواهد شد - و البته محتاج بیان نیست که اعضای چندین کنگره ای میباید بقواعد زبانهای پهلوی و زنده اشنائی کامله داشته نسبت به لغاتی که در فارسی دخیل گردیده دارای اطلاعات عمیقی باشند

برای چه جنگ بین المللی پیش آمد کرد

کتابها در اینموضوع نوشته شده و شرح و بسط های مفصلی در اطراف آن داده شده لکن از طرفی آنچه را که مختصرا و بطور جامع که استفاده آن متوجه عموم مخصوصا محصلین مدارس باشد در دست نداریم - ناگزیر با رعایت اصول اختصار شرح پیش آمد جنگ مزبور و کیفیت جریان آن را